

هفت

ریچارد دایر

ترجمهٔ محمد شهباز



انتشارات هرمس

فهرست

یادداشت مترجم	هفت
۱. گناه	۱
۲. داستان	۱۳
۳. ساختار	۱۹
۴. قتل‌های زنجیره‌ای	۳۹
۵. صدا	۵۹
۶. تصویر	۷۱
۷. رستگاری	۸۳
یادداشت‌ها	۹۹
عنوان‌بندی	۱۰۳
برابرنامه	۱۳۱

۱ گناه

« این قتلها ادامه داره. »

(کارآگاه سامرست دربارهٔ نخستین قتل)

هفت مطالعه‌ای است در زمینهٔ گناه. به علاوه، فیلمی جنایی و با دقت و وسواس شکلی (فرمال) فوق‌العاده نیز هست. آنچه این ویژگیهای گونه‌ای (ژانری) و سبکی را به هم می‌پیوندد همانا مفهوم «گناه» است. البته می‌دانیم که داستانهای جنایی بنا به تعریف با خطاکاری بشر سروکار دارند اما آنچه در هفت طنین ویژه‌ای به گناه داده همان وسواسی است که در گزینشهای شکلی یعنی گزینشهای ساختاری و صوتی و بصری آن اعمال شده است.

هفت می‌طلبد که آن را بر مبنای گناه مشاهده کنیم. البته این از عنوان فیلم بر نمی‌آید زیرا هفت گناه کبیره فقط یکی از «هفت»های مهمی است که در فرهنگ غرب وجود دارد: هفت روز آفرینش، هفت روز هفته، هفت فضیلت کبیره، هفت رسم اساسی مسیحی [همچون غسل تعمید، ازدواج، عشای ربانی]، عجایب هفتگانهٔ جهان، هفت رکن خرد، هفت رنگ رنگین‌کمان. در کتاب مکاشفات یوحنا نیز که سخن از آخرالزمان در میان است بیش از پنجاه دستهٔ هفت‌تایی (هفت کلیسا، هفت چراغدان، هفت فرشته، هفت ستاره، هفت روح، هفت صور) ذکر شده است. البته این فقط ویژهٔ فرهنگ غرب نیست: در قرآن و ریگ ودا نیز «هفت»های فراوانی وجود دارد.^۱ هفت توجه ما را به «هفت»های بیشتری می‌کشاند: هفت منزل تطهیر در کتاب دانه، و اشاره به قتل

هفت کودک در نوشته‌ای که کارآگاه سامرست می‌خواند. شاید عنوان صریح هفت همین رنگ و بوی شبه‌کائنتاتی (از نوع «عصر جدید» و پرونده‌های مجهول) را داشته باشد، یعنی چیزی که بعداً در مجموعه تلویزیونی هزاره در زمینه قتل‌های زنجیره‌ای جای گرفت. با این همه، اشاره مستقیم هفت فقط به هفت گناه کبیره و روزهای هفته است.

البته تبلیغات فیلم بر اهمیت هفت گناه کبیره متمرکز بود. به گفته کریس پولا، رئیس واحد بازاریابی شرکت پخش نیولاین، هفت گناه کبیره جاذبه اصلی فروش فیلم به شمار می‌آمد.^۲ اهمیت این گناهان به اندازه اعتبار و جاذبه برد پیت و مورگان فریمن است «ولی بازیگر نقش اول، جنایت است و پیت و فریمن بازیگران نقش دوم به حساب می‌آیند. درست است که نام این دو در فیلم هست ولی ما در اصل به نمایش جنایت و هفت گناه کبیره پرداختیم». در معروف‌ترین اعلان فیلم، که روی نوار ویدئویی این فیلم نیز قرار گرفته، همین نکته آشکارا دیده می‌شود. در آگهی تلویزیونی این فیلم، اسامی هفت گناه کبیره یکی پس از دیگری بر صفحه می‌آید، و در یکی از پایگاه‌های اینترنتی به «جزئیات مبهم» این هفت گناه پرداخته‌اند.

این را می‌توان بازاریابی مناسب نامید زیرا بر شناخت محصول استوار است. خود فیلم نیز بر اهمیت و تقدم گناه تأکید می‌کند. اندیشه اصلی این فیلم، قتل هفت نمونه مجسم هفت گناه کبیره در هفت روز است. البته این اندیشه قاتل است اما از طریق شخصیتی که مورگان فریمن نقشش را ایفا می‌کند، یعنی کارآگاه سامرست، به درک عمیق‌تری از ضعف نفس انسان که در گناه متجلی است پی می‌بریم.

سامرست، از دو جهت رکن خرد فیلم است. نخست، وی تنها شخصیت این داستان کارآگاهی است که استاد تشخیص است: هموست که درمی‌یابد نخستین قتل آغاز چندین قتل زنجیره‌ای است و سپس الگوی آنها را کشف می‌کند؛ هموست که با شگردی هوشمندانه

و با استفاده از مدارک کتابخانه عمومی رد قاتل را پیدا می‌کند (با تعیین اعضای که کتابهای سادیستی و متون مربوط به آخرالزمان و نیکی و بدی را به امانت گرفته‌اند). بسیار روش مند و به قول افراد مافوقش «عقل کل» است. این در همان بررسی قتل اول آشکار می‌شود که وی به نشانه‌هایی ظاهراً نامربوط توجه می‌کند: کبودی روی سر مقتول، رسیده‌های خوار و بارفروشی، و خرده‌های پلاستیک (کفپوش اتاق) در شکم مقتول. دیگر کارآگاهان و افراد درگیر به این نشانه‌ها توجه ندارند: دکتر آسیب‌شناس (پاتولوژیست)، سروان مسئول پرونده، و از همه مهمتر میلز (برد پیت) همکار جدید سامرست. با این همه، اهمیتی که سامرست برای این نشانه‌ها قائل است و تفسیری که از آنها ارائه می‌دهد درست از کار درمی‌آید. از نظر روایتی، وی کسی است که می‌داند.

اما خرد سامرست از شم کارآگاهی فراتر می‌رود و در تمام وجودش ریشه دارد. ساکت است و آرام، مرد پایه سن گذاشته‌ای است، با چهره‌ای غمگین و رئوف و صدایی آرام؛ وی مورگان فریمن است، راننده خانم دیزی، دست راست رابین هود، و مایه رستگاری شاونسنگ. در فیلم بارها او را می‌بینیم که فقط می‌نگرد و گوش می‌دهد و آنچه که می‌بیند و می‌شنود نه فقط سرنخهایی برای این ماجرای مرموز و نفرت‌انگیز بلکه نشانه‌هایی بر شرارت این جهان خاکی است. در صحنه بررسی قتلی که پیش از عنوان‌بندی رخ می‌دهد، سامرست می‌پرسد که آیا پسرک دیده که مادرش به پدرش شلیک کرده یا نه، و کارآگاه مسئول (تیلر) از کوره درمی‌رود:

این دیگه چه سؤالیه؟ همیشه از این جور سؤاها می‌کنی. پسره ماجرا رو دیده؟ چه فرقی می‌کنه؟ یارو مرده. زنش کلکش رو کنده. بقیه‌ش به ما هیچ ربطی نداره.

اما سامرست اعتقاد راسخ دارد که همه چیز، برای نمونه اینکه مشاهده